

با بهره‌گیری از صد حکایت برگزیده
از متون کهن فارسی

میرباش، رئیس!

سید باقری

www.ketab.ir



خوارزمی

سرمایه‌گذاری

شرکت (سهامی عام)

با حمایت



انتشارات هرمس

تهران، خیابان ولی عصر، پاساژ میانه وک، شماره ۲۴۹۳ - تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴

مدیریت - ۶

تألیف: ایرانش، رئیس!

ساعد باقری

چاپ اول: ۱۳۹۴

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

چاپ: رسام

همه حقوق محفوظ است.

سرشناسه: باقری، ساعد، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور: مدیر باش، رئیس: با بهره‌گیری از صد حکایت برگزیده آرسنون کین فارسی / ساعد باقری.

مشخصات نشر: تهران: هرمس، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۳۰۴ص.

شابک: 978-964-363-970-9

وضعیت فهرست‌نویسی: فپا

موضوع: داستان‌های اخلاقی - داستان‌های آموزنده فارسی - داستان‌های کوتاه فارسی - مجموعه‌ها

رده‌بندی کنگره: B۲۲۴۹/۵:م۴پ۱۸۷ ۱۳۹۴

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۶۸

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۱۸۷۲۴۰

فهرست

موضوع	صفحه
پیش گفتار.....	۷
سخن مؤلف.....	۱۱
فصل یکم (دیدن، مشاهده، درک)	
۱/ فاصله دورین را تنظیم کن!.....	۱۷
ملحقات مقاله یکم.....	۲۸
۲/ با این دورین شگفت انگیز... ..	۴۵
ملحقات مقاله دوم.....	۶۰
۳/... اما حاصل «کشت» واقعی را ببین.....	۶۹
ملحقات مقاله سوم.....	۷۶
۴/ بی تفاوتی و نادیده گیری.....	۸۹
ملحقات مقاله چهارم.....	۱۰۰

۱۰۳	۵/ خطر اعتیاد در کمین دوربین
۱۱۴	ملحقات مقاله پنجم
۱۲۷	۶/ دوربین رفت، صدارفت، حرکت!
۱۳۹	ملحقات مقاله ششم

فصل نهم (حرکت، سفر، سلوک)

۱۴۷	۷/ از پشت سر غلامان
۱۶۱	ملحقات مقاله هفتم
۱۷۱	۸/ حرکت نکنی، فرومی روی
۱۸۷	ملحقات مقاله هشتم
۱۹۷	۹/ محبوب همسفران باش
۲۱۸	ملحقات مقاله نهم
۲۲۹	۱۰/ «منم» بزنی، می زنند!
۲۵۱	ملحقات مقاله دهم
۲۶۵	۱۱/ از طبیعت بزنجلو
۲۸۵	ملحقات مقاله یازدهم
۲۸۹	۱۲/ ای دل بی تاب، قراری بجو
۳۰۲	ملحقات مقاله دوازدهم

پیش گفتار

هوالمدبر

بر آستان بیگانه سرنهادهای منسوب کردن جام جمی که خود سالها در دست داشته‌ای، حدیثی جانسوز است و دانه‌ای پر آب چشم. اگر گونه‌ای از خود فراموشی نباشد، که سر آغاز خدا فراموشی است، بی گمان جلوه‌ای از خود کم بینی است و سر آغاز خاموشی. سراسر تاریخ جهان ریشه‌دار است، از نمونه‌هایی از این دست که مردمان داشته‌اند اصل خود گذاشته و در پی برداشت حاصل عاریتی دیگران، عمر گرانمایه به باد داده‌اند.

از جمله این حکایت‌هاست آن چه در نشر و گسترش متون و ترمیم، در زمینه مدیریت و اقتصاد و روانشناسی و در یک کلام، در علوم انسانی، رایج دارد. بروز انقلاب صنعتی و ظهور شرکت‌ها و سازمان‌های بزرگ در غرب و خاور دور و موفقیت‌های اقتصادی پی در پی آن‌ها، مدیران این سازمان‌ها را در مقامی قرار داد که جهانیان به دیده‌الگوی تمام و کمال به آن‌ها بنگرند و علمایی نیز پا به عرصه گذاشتند که با برآزش مدل‌هایی از رفتار و کردار این مدیران و نشر آن‌ها، دانش مدیریت را برخاسته از مغرب‌زمین جلوه دادند، که اگر چه در نفس خود امر

ارجمندی است و رواست که آن مدیران را به واسطهٔ برکتی که آفریده‌اند و مایهٔ آسایش و رفاه خلق فراهم ساخته‌اند، قدر نهاد و بر صدر نشاند، اما نکتهٔ گرانسنگ باریک‌تر از موی در این است که دانش مدیریت و بخش بزرگی از علوم انسانی، برخاسته از همین سرزمینی است که زیستگاه من و توست و از دوره‌ای که گوهر بیرون از صدف کون و مکان، دین سید رسولان را در خود به ظرافتی شگفت جای داده، کم‌تر اثری ادبی، عرفانی یا دینی می‌توان سراغ گرفت که از حکمت نهی باشد، حکمتی که نه تنها در معیشت فردی، بلکه در بعد اجتماعی زندگی نیز مایهٔ ازباده و مباحثات است.

اگر امروز از جملهٔ بخش‌های پر رونق هر کتاب‌خانه و کتاب‌فروشی در سراسر جهان، بخش مدیریت، راهبری، روانشناسی و خودسازی است، ریشه در تلاشی دارد که اصحاب قلم و نشر در تبیین و توزیع سخنان حکمت‌آمیز مدیران، اندیشمندان و نظریه‌پردازان سرزمین‌های - در بیان اقتصادی‌اش - توسعه یافته صرف کرده‌اند و این متون را به سباز جست‌وجوگر و تشنهٔ حقیقت و البته حیرت‌زده و مضطرب عصر حاضر مایهٔ آرائی شده و پناهگاهی امین و حصین به شمار آمده است. در سرزمین ما نیز فراوان می‌توان یافت نسخه‌هایی مختلف از ترجمهٔ این متون را که حتی در مواردید با نارسایی ترجمه و خطاهای فاحش، مورد اقبال انبوه خوانندگان است که در پی موفقیت هستند و ارتقا، خیریشن خویش. گاه باید ده‌ها صفحه از کتابی چنین را که به چاپ‌های چندین بار، نیز بریده است ورق زد تا نکته‌ای حکمت‌آمیز یافت که اصل باشد و مایهٔ وصل. و از این مایه طلب گوهر است از گمشدگان لب دریا. گوهری که کافی است تنها یکی از باب کهن فارسی را ورق زد و هزاران از آن را به رشته کشید. و اگر کسی بر سر این خوان گسترده نشست و خود داشته را از بیگانه تمنا کرده، نتیجهٔ ستمی است که از باب غفلتی عمیق بر متون کهن، متقدم و متأخر ادب فارسی رفته است.

این بنده، فراوان از این دست متون غربی را خوانده و نادر زمانی نکته‌ای در آن‌ها یافته که تر و تازه باشد و جانفزا و ریشه در متون ارجمندی مانند گلستان،

اسرار التوحید، تاریخ بیهقی، فیه مافیه - به نثر - یا شاهنامه و مثنوی کبیر و بوستان و دیوان خواجه یا صائب و کلیم و بیدل - به نظم - نداشته باشد.

شهره‌ترین کتاب‌های مدیریت غربی و نام‌آورترین نگارندگان - از جمله پیتراکر، ناپلئون هیل، کنت بلانچارد، اشتفان کاوی و نام‌هایی از این دست که هر کدام به صفتی مانند پدر دانش مدیریت یا سرآمد علم روانشناسی شهره‌اند - را که از نظر می‌گذرانی، با تمام حکمی که در خود نهفته‌اند یا گفته‌اند، شاگرد مکتب حکیمان بزرگ و متأله تاریخ ادبیات ایران زمین می‌بینی که صدها سال پیش از این در اوج رغبت و فصاحت، همان نکته را بر سینۀ تاریخ چنان حک کرده‌اند که از یاد و باران نباید گریخت و این است همان حدیث جانسوز و داستان پر آب چشم.

اندیشه پردازی نه به چنین گنجینه‌ای، از حقایق دقیق یاد شده سرچشمه گرفت. صاحب ناچیز این قلم در دستی هم در مدیریت کسب و کار دارد مدتی دراز در پی آن بود تا گامی را این مسیر برداشته شود و پرده از رخ چشم‌نواز متون ادب فارسی از منظر مدیریت و روانشناسی و خردسازی برداشته شود تا ایرانیان و جهانیان بنگرند در جام جمی که سال‌هاست در این سرزمین درخشان بوده و البته تشنگان حقیقت مدیریت از آن غافل بوده‌اند.

برای برداشتن چنین گام بلندی فراهم ساختن اسباب بزرگی ضرورت داشت و یلی که هم با نیاز حیاتی دنیای کسب و کار عجین باشد و هم در شرف ادب فارسی به چیدن در و گوهر ثمین آن پنجه در انداخته باشد. از این رو، د. اعد باقری، نخستین پهلوانی بود که دست نیاز به سویش گشوده شد و بارویی آشکار خواسته را پذیرفت. این بزرگ استاد که منزل‌ها در متون کهن پیموده است، به پیشانی تجربه مدیریتی گرانسنگش در هنر و ادب و رسانه و حشر و نشری که با دیگر مدیران سازمان‌های بزرگ داشته، پاسخی درخور به این نیاز داد و عمر گرانبهایه بر این کار نهاد که حاصلش کتابی است که پیش رو دارید.

«مدیر باش، رئیس!» سرشار است از نکات حکمت آموزی که گرچه مردمان بخرد در زمان‌های سپری شده بر سنگ نگاشته‌اند، اما نیاز حقیقی امروز هر انسانی

است، خواه مدیر و راهبر سازمانی بزرگ یا کوچک باشد و خواه عزم ارتقاء خویشتن خویش را داشته باشد که گونه‌ای از مدیریت بر خویش است. خواننده ارجمند کتاب درعین حال که مطلبی پیوسته در باب اصول گران مدیریت را پیش می‌برد، با شاهکارهایی از ادب فارسی نیز از منظری نو و دریچه‌ای خاص آشنا می‌شود و این همان هنری است که نویسنده کتاب به کار بسته است تا فراموشی و خاموشی انسان سرگشته امروز را در بر نگیرد.

سپاس بی کران یزدان پاک را که توفیق انتشار این کتاب را داد تا گامی اثرگذار در راستای توسعه منابع انسانی ایران بزرگ برداشته شود. باید قدردان استاد ساعد باقری بود که با نامه درفشانش این گوهر درخشان را به رشته کشید و ارج بی پایان تمامی دست‌اندرکاران انتشار این کتاب روح افزای را که با جان و دل، تلاش مداومی داشتند تا اثری ماندگار بر گنجینه بزرگ ادب فارسی افزوده شود که از خدا جز توفیق ادب نپدید خراسان.

حجت‌الاصیدی

آذرماه یک هزار و سیصد و نود و چهار خورشیدی

سخن مؤلف

حرف اول، به نام حتی دو
اهل دل را سلام باد و درو-

تولد این کتاب را مدیون رفیق سنیق سال‌ها، دیرین و دوست شاعرم حجت اله صیدی - با تخلص شعری مهیار کاوه - ام. او که مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری خوارزی است، با فکری بکر به دیدنم آمد. اعتراف کنم که در نگاه نخست، تحقق پیشنهاد او در نظام غیرعملی یا دست کم سخت دشوار می نمود؛ تالیف کتابی در موضوع مدیریت با بهره گیری از حکایات و مطالب متون کهن فارسی.

دردمند بود که اغلب و یا بلکه همه آثار خواندنی، جذاب و منعطف چاپ شده در قلمرو مدیریت، متن هایی ترجمه شده اند؛ کتاب هایی البته سودمند و پر نکته که مخاطبان آن، صرفاً مدیران نبودند.

مهیار کاوه شاعر (و حجت اله صیدی مدیر) نمونه هایی از این کتاب ها را نیز با خود به همراه آورده بود و مشتاقانه از من می خواست توجه کنم که بسیاری از خوانندگان ایرانی که نکته پردازی های اینگونه متون ترجمه شده، آن ها را مجذوب کرده، مطلع نیستند که میراث مکتوب حکیمان و متفکران ایرانی سرشار است از لطایف و دقایق زندگی ساز که در عمق و وزانت، بسی پرمایه ترند.

دغدغه او راستودم، اما یادآور شدم که اگر بخواهم در مباحث مدیریتی، قلمرو تحقیقم را به آداب حکمرانی و حکایات و احوال امیران و پادشاهان و نصایحی که حکما ایشان را کرده اند، محدود کنم، شاید برای مخاطب امروز، چندان دندان گیر نباشد. حاصل مدّت‌ها تأمل، طراحی کتابی شد که برای همگان مفید باشد و دایره مبحث را تا مدیریت آدمی بر رفتار و گفتار وسعت بخشید و البته برای مدیران و کارگزاران متضمّن فایده‌تی مضاعف باشد.

نتیجه کار کتابی است که در دست دارید؛ مشتمل بر دو فصل و دوازده مقاله که در پایان هر مقاله، حکایاتی چند از متون کهن نیز در پیوند با مطالب، در قالب ملحقات آمده است.

هم در این کتاب، سنا، است که شکرانه به جای آرم و پس از حمد و ثنای الهی، نخست سپاس گزینی نویسنده، فرزانه شاعرم جناب حجت اله صیدی باشم که نقشی بس موثر در طراحی اول و نیز در مراحل بعدی کار کتاب ایفا کرد.

و اما ویراستار کتاب، شاعر، ارجمند خانم فاطمه سالاروند، افزون بر ویرایش متن، در مراحل مختلف، مشاور دلسوز من بوده‌اند که جبران صدق و رفقتان را به خدای جبران‌کننده وامی‌گذارم.

در پایان وظیفه مندم که از زحمات دوست فرهیخته ام، مدیرعامل مؤسسه شهر کتاب و رئیس هیئت مدیره نشر هرمس؛ جناب آقای مهندس مهدی فیروزان و همچنین مدیرعامل فرهیخته این نشر؛ جناب آقای لطیف باغروانی، جناب آقای ابراهیم رستمیان مقدم و محسن وطنی عزیز، صمیمانه تشکر کنم. نیز درود و سپاس قلبی ام را به خانم‌ها ناسترن سادات موسوی محسنی و صبا جاوید که همکاری‌های مکارانه و خلاق بوده‌اند، نثار کنم.

همکاری هنرمند نام آشنا جناب فرزاد ادیبی نیز در طراحی جلد کتاب، افتخاری است برای من که بدین سبب سپاسمند این رفیق نازنینم.

ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا

ساعد باقری

آذرماه ۱۳۹۴